

The Effect of Non- infringement of Contract breach on Compensation in Iranian Jurisprudence and Legal System

Seyed Rauof Shojaei Nezhad¹, Mansour Amini^{2*}, Nejatollah Ebrahimian³

1. PhD Student in Private Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Associate Professor, Department of Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 21-34

Article history:

Received: 22 Jan 2022

Edition: 5 Feb 2022

Accepted: 20 Feb 2022

Published online: 26 Mar 2022

Keywords:

Infringement, Impossibility, Insolvency, Damages, Contract

Corresponding Author:

Mansour Amini

Address:

Department of Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Orchid Code:

0000-0002-5487-653X

Tel:

02122431758

Email:

aminimansour@yahoo.fr

ABSTRACT

Background and Aim: According to Articles 227 and 229 of the Civil Code of Iran, breach of obligation due to the act and will of the obligor is one of the conditions for claiming contractual damages. But in "non- infringement breach of contract" such as breach due to excuse and breach, breach of obligation can not be attributed to the act and will of the obligee. The purpose of this study is to answer the question why excuses and complaints are the same in terms of being foreign, but their legal effects are different from the rules of compensation.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Results: In the Iranian legal system and Islamic jurisprudence, breach of contract is divided into two categories: breach attributable and non-attributable to the act and will of the obligee. "breach" should also be interpreted as "inability to be attributed to the will of the obligee" because the word "external" means anything that is outside the existence of the obligee.

Conclusion: The difference in excuse can be as a result of evaluating factors such as: the concept of external factor of breach, the degree of anticipation of obstacles and the degree of survival of the same breach of obligation.

* This article is derived from Seyed Rauof Shojaei Nezhad's dissertation.

Cite this article as:

Shojaei Nezhad SR, Amini M, Ebrahimian N. The Effect of Non- infringement of Contract breach on Compensation in Iranian Jurisprudence and Legal System. *Economic Jurisprudence Studies*. 2022; 4(1):21-34.

اثر نقض غیرمتخلفانه قرارداد بر جبران خسارت در فقه و نظام حقوقی ایران

سید رؤف شجاعی نژاد^۱، منصور امینی^۲، نجات اله ابراهیمیان^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳. استادیار، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: بر اساس مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی ایران، نقض تعهد به سبب فعل و اراده متعهد، از شرایط مطالبه خسارت قراردادی می باشد اما در «نقض غیرمتخلفانه قرارداد» همچون نقض به سبب تعذر و تعسر، نقض تعهد قابل انتساب به فعل و اراده متعهد نیست. هدف از پژوهش حاضر پاسخ به این پرسش است که چرا تعذر و تعسر از حیث خارجی بودن، ماهیت یکسان دارند اما آثار حقوقی آنها نسبت به قواعد جبران خسارت مختلف جلوه می کند.

مواد و روش ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می باشد و روش جمع آوری اطلاعات بصورت کتابخانه ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت داری رعایت شده است.

یافته ها: در نظام حقوقی ایران و فقه اسلامی، نقض قرارداد به دو دسته ی نقض قابل انتساب و غیر قابل انتساب به فعل و اراده متعهد تقسیم می شود. و «نقض غیر متخلفانه قرارداد» به «نقض غیر قابل انتساب به فعل و اراده متعهد» تعبیر می شود.

نتیجه: اختلاف در تعذر و تعسر می تواند در نتیجه ارزیابی عواملی همچون مفهوم عامل خارجی نقض، میزان پیش بینی موانع حادث شده و میزان بقای عین تعهد نقض شده باشد.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری دانشجوی سید رؤف شجاعی نژاد می باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۴-۲۱

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۲

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۱/۰۶

واژگان کلیدی:

تخلف، تعذر، تعسر، خسارت، قرارداد.

نویسنده مسؤول:

منصور امینی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه شهید بهشتی،

دانشکده حقوق.

تلفن:

۰۲۱۲۲۴۳۱۷۵۸

کد ارکید:

0000-0002-5487-653X

پست الکترونیک:

amini.mansour@yahoo.fr

۱. مقدمه

نقض تعهد قراردادی همیشه سبب استحقاق متعهدله در مطالبه خسارت قرارداد نیست چرا که در مواردی، شخص متعهد قرارداد، متعذر از ایفای تعهد است و به دلیل وجود عذری همچون قوه قاهره و یا از بین رفتن قابلیت اجرایی تعهد از ایفای تعهد خویش باز می ماند لذا متعهد در فرضی مسئول بوده که امکان اجرای تعهد برای وی میسر باشد و با اراده خویش از ایفای تعهد امتناع ورزد یا از بین رفتن امکان اجرای تعهد، منتسب به وی است در این صورت چنین ناقض تعهد قراردادی را «متخلف» از اجرای تعهد گویند (حائری شاه باغ، ۱۳۸۷، ۲۰۷؛ ره پیک، ۱۳۸۷، ۱۳۹؛ شهیدی، ۱۳۸۶، ۶۴؛ صاوی، ۱۳۷۲، ۲۰۱-۲۲۷؛ عدل، ۱۳۸۹، ۱۳۴؛ کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۴، ۱۳۳-۱۳۸) و تخلف از اجرای تعهد قراردادی یکی از شرایط ایجاد حق مطالبه خسارت برای متعهدله بیان شده است (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰، ۳۶۳؛ ره پیک، ۱۳۹۴، ۱۲۶؛ شهیدی، ۱۳۸۸، ۵۸؛ صاوی، ۱۳۷۲، ۲۰۶؛ قربان پور، ۱۳۹۴، ۱۱) ولی در مواردی از نقض قرارداد، خسارت به متعهدله وارد می آید اما متعهد قرارداد، متخلف از انجام تعهد به معنای مذکور نیست و ورود خسارت ناشی از سبب خارج از اراده متعهد است بطور مثال می توان به نقض عهد در نتیجه تعذر و تعسر متعهد اشاره کرد. در اینجا ضرورت دارد با توجه به هدف قواعد مسئولیت مدنی مبنی بر جبران خسارت زیان دیدگان، به این سوالات پاسخ داد: آیا خسارت ناشی از نقض غیرمتخلفانه برای متعهدله قابل مطالبه است؟ آثار

چنین نقض هایی بر قواعد جبران خسارت قراردادی چیست؟ و در مقام پاسخگویی، مفهوم و مصادیق نقض غیرمتخلفانه قرارداد و آثار خاصه آن بر حق مطالبه خسارت قراردادی را از منظر فقه اسلامی و نظام حقوقی ایران، مورد مذاقه قرار می دهیم.

از منظر علمای فقه و حقوق در حوزه مسئولیت مدنی قراردادی، عدم اجرای تعهد به سبب «علت خارجی» شامل: قوه قاهره و تقصیر متعهدله یا شخص ثالث، از شرایط معافیت از مسئولیت تلقی می گردد و خارجی بودن حادثه به گونه ای که قابل انتساب به متعهد نباشد شرط احراز قوه قاهره بیان می شود (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰، ۴۲۳-۴۱۲؛ شیروی، ۱۳۹۶، ۱۷۸؛ صفایی، ۱۳۸۷، ۲۱۸-۲۱۶؛ صفایی، ۱۳۸۸، ۴۰۴-۴۰۶؛ کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۴، ۱۸۵-۱۸۱) اما عللی برای نقض قرارداد وجود دارد که خارج از اراده و فعل متعهد است اما ذیل مفهوم قوه قاهره قرار نمی گیرد مصادیقی همچون نقض عهد به سبب تعذر و تعسر. مفهوم و مصادیق تعذر و تعسر و آثار آن بر وضعیت حقوقی قرارداد در کتب و مقالات تحقیقی مختلف مورد بحث قرار گرفته است (جعفری و تخلصی، ۱۳۹۸، ۴۲، ۴۶، ۴۷) و در تحقیقی به نسبت تعذر با قوه قاهره اشاره شده است (امینی و باستانی نامقی، ۱۳۹۹، ۱۹۰). اما در ارتباط با نوآوری مقاله حاضر باید عنایت داشت که اولاً بررسی قاعده مند نقض های قرارداد در نتیجه علل غیر قابل انتساب به متعهد قرارداد، تحت عنوان «نقض غیرمتخلفانه قرارداد» بوده و ثانیاً آثار چنین نقضی به طور خاص بر قواعد جبران خسارت، مورد مذاقه قرار می گیرد و پژوهشی نو در

بررسی تطبیقی فقه اسلامی و نظام حقوقی ایران
به عمل آمده است.

۲. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که، به نظر می‌رسد می‌توان در نظام حقوقی ایران و فقه اسلامی، نقض قرارداد را به دو شکل نقض قابل انتساب و غیر قابل انتساب به فعل و اراده متعهد تقسیم نمود اگرچه «نقض غیر متخلفانه» به عدم اجرای قرارداد به سبب خارج از اراده متعهد قرارداد تعبیر شده است اما تعبیر «عدم قابلیت انتساب به اراده متعهد»، در بیان موضوع بهتر می‌باشد چرا که متبادر از کلمه خارجی هر چیزی است که خارج از وجود متعهد است.

۵. بحث

۵-۱. مفهوم و مصادیق نقض غیر متخلفانه

قانون مدنی ایران در مواد ۲۲۱، ۲۲۷ و ۲۲۹ مسئولیت قراردادی شخص متعهد قرارداد را وقتی

محقق می‌داند که وی در ایفای تعهدات خویش «تخلف» نماید. تخلف در فرضی اتفاق می‌افتد که نقض تعهد قراردادی ارتباط به اراده متعهد قرارداد و منتسب به وی است به عبارت دیگر متعهد قرارداد امکان ایفای تعهد قراردادی را داشته ولی از ایفای تعهد امتناع می‌ورزد (حرج، ۱۹۹۹، ۲۰۷؛ ره پیک، ۱۳۸۷، ۱۳۹؛ شهیدی، ۱۳۸۶، ۶۳؛ صفایی، ۱۳۸۷، ۲۱۸-۲۰۱؛ عدل، ۱۳۸۹، ۱۳۴؛ کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۴، ۱۳۳) مثلاً تأخیر در انجام تعهد باعث ایجاد ممنوعیت قانونی بعدی برای ایفای تعهد باشد در این فرض اگر چه نقض تعهد قراردادی به سبب ممنوعیت قانونی برای ایفای تعهد و از بین رفتن قابلیت اجرای تعهد می‌شود ولی سبب آن رفتار و اراده شخص متعهد قرارداد بوده است و وی متخلف قرارداد محسوب می‌گردد (انصاری، ۱۳۹۲، ۴، ۷۳۸؛ انصاری، ۱۳۹۲، ۸، ۲۰۶؛ کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۴، ۱۳۸).

برخی بنا به مفاد ماده ۲۲۷ قانون مدنی ایران تخلف را مترادف عهدشکنی دانستند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ۱۲۸۳؛ انصاری، ۱۳۹۲، ۹، ۲۰۶؛ وحدتی شیرازی، ۱۳۸۵، ۴۷) ولی در مقابل بنا به بیان قانون‌گذار در این ماده و تحلیل نظر حقوقدانان مذکور در فوق، به نظر می‌رسد متخلف از اجرا، عهدشکنی است که نتواند ثابت نماید عدم انجام به واسطه قوه قاهره می‌باشد و در صورت اثبات این امر دیگری متخلف محسوب نمی‌شود و نقض قرارداد، اعم‌تر از تخلف بوده و «نقض غیر متخلفانه» را نیز شامل می‌شود به این معنا که: «نقض قرارداد، به اراده شخص متعهد ارتباطی پیدا نمی‌کند و

خارج از اراده وی است» مانند نقض در نتیجه تعذر و تعسر. لذا در این تحقیق به مصداق قابل بحث تحت عنوان «نقض غیرمتخلفانه تعهدات قراردادی» همچون «تعذر» و «تعسر» پرداخته و آثار آنها در ارتباط با ایجاد حق مطالبه خسارت را شرح خواهیم داد.

۵-۲. اثر تعذر بر قواعد جبران خسارت قراردادی

در این قسمت اثر تعذر بر قواعد جبران خسارت را در نظام حقوقی ایران و فقه مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۵-۲-۱. دیدگاه نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی ایران اصطلاح تعذر در حقوق قراردادهای را به عذر مانع اجرای تعهد تعریف نموده‌اند و به دو صورت: ۱- قوه قاهره و ۲- حادثه غیرمترقب حادث می‌شود که در هر دو صورت، علت خارجی خوانده می‌شود (امینی و باستانی نامقی، ۱۳۹۹، ۱۷۳؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ۱۲۸۳) در اینجا به حکم مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ ق.م.مدیون قرارداد متخلف نیست و با عدم امکان اجرای قرارداد مواجه هستیم که منتسب به اراده مدیون نمی‌باشد و اگر وی تعهد خود را اجرا نمی‌کند به دلیل عامل خارجی و غیرقابل احتراز و غیر قابل پیش‌بینی است (امامی، ۱۳۹۰، ۱، ۲۴۹؛ انصاری، ۱۳۹۲، ۱۰، ۲۰۷؛ ره پیک، ۱۳۸۷، ۱۴۰؛ صفایی، ۱۳۸۷، ۲۱۸؛ احسایی، ۱۴۱۰، ۱۳۵؛ کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۴، ۱۷۷).

در حوزه مسئولیت مدنی جز در موارد استثنایی نظیر اتلاف و تعهد به جبران خسارت غیرارادی که مبنای خاص خود را داشته، مسئول شناختن انسان نسبت به آثار واقعه خارج از اراده‌اش مورد پذیرش وجدان انسانی نیست بنابراین هرگاه تأخیر یا عدم انجام تعهد، نتیجه مانع خارج از اراده متعهد بوده یا در اثر عمل خود متعهدله باشد متعهد را نمی‌توان مسئول جبران خسارت ناشی از آن دانست لذا در حالت عذر دائمی یا موقتی در حکم عذر دائم، قرارداد به دلیل از بین رفتن قابلیت اجرای تعهد، منحل شده و یا چنانچه ماده ۳۸۷ قانون مدنی بیان داشته است منفسخ می‌شود اما در فرض تعذر موقت باید قائل به اصل صحت قرارداد بود و متعهد قرارداد را ملزم به ایفای تعهد پس از رفع عذر دانست (امامی، ۱۳۹۰، ۱، ۲۶۲ و ۲۹۲؛ امینی و باستانی نامقی، ۱۳۹۹، ۱۸۵؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ۲۰۶؛ ره پیک، ۱۳۹۴، ۱، ۳۸؛ شهیدی، ۱۳۸۸، ۶۴-۶۵؛ شیروی، ۱۳۹۶، ۳۰۵؛ کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۴، ۱۷۹؛ محقق داماد، ۱۳۸۸، ۲، ۱۱۵) و متعهد را نمی‌توان مسئول هیچ گونه خسارتی دانست چرا که متعهد الزام خود را به انجام تعهد در این شرایط اراده نکرده بود و این امر بر خلاف قاعده فقهی «العقود تابعه القصود» است (شهیدی، ۱۳۸۸، ۶۶) البته در فرض تعذر موقت به علت باقی ماندن اصل تعهد، تنها خسارت تأخیر نادیده گرفته می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۴، ۱۸۰) و تأخیر یا عدم اجرای بعدی پس از رفع عذر، شامل معافیت نخواهد بود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ۷۳۷؛ ره پیک، ۱۳۸۷، ۱۴۱).

۵-۲-۲. دیدگاه فقه اسلامی

یکی از مصادیق نقض غیرمتخلفانه در فقه اسلامی وجود تعذر به معنای وجود مانع یا اعواز به معنی نایاب شدن است (انصاری، ۱۳۹۲، ۴، ۳۸۱؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ۴۹۰) و با عناوینی همچون «تعذر اجرا» یا «تعذر تسلیم»، ذیل قواعد فقهی همچون: «بطلان کل عقد به تعذر وفاء به مضمونه» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ۷۴۱؛ مراغی، ۱۴۱۷، ۲، ۳۹۹ و ۴۰۰) و «تعذر الوفاء به العقد مبطل له» (محقق داماد، ۱۳۸۸، ۲، ۱۱۲) و «خیار تعذر تسلیم» بحث شده است مطابق قاعده تعذر وفاء به عقد، هرگاه طرفین به امری ملزم شوند و پس از عقد ایفای آن برای همیشه ناممکن گردد معامله بر حسب شرایط، باطل یا منفسخ می‌شود خواه تعذر مربوط به یک طرف معامله یا هر دو باشد» (محقق داماد، ۱۳۸۸، ۲، ۱۱۳) قاعده مزبور بیشتر دامن‌گیر عقود مستمر همچون اجاره می‌شود (جعفری و تخرابی، ۱۳۹۸، ۳۰) و در تمامی عقود، حتی عقود اذنی جریان دارد (شهیدی، ۱۳۸۶، ۹۳) این قاعده اصطیادی به استناد اجماع، نفی تکلیف مالایطاق (مراغی، ۱۴۱۷، ۲، ۴۰۲)، لزوم نفی غرر (نائینی، ۱۴۱۸، ۲، ۳۸۷) و لزوم ارتفاع نقیضین (محقق داماد، ۱۳۸۸، ۲، ۱۲۰؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ۵، ۲۲۶) حجیت می‌یابد.

تعذر را می‌توان به تعذر موقت و دائمی (انصاری، ۱۳۹۲، ۴، ۴۲۵؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ۵، ۲۶۵؛ نائینی، ۱۴۱۸، ۲، ۱۸۸) تعذر ابتدایی و عارضی (انصاری، ۱۳۹۲، ۴، ۳۸۷؛ جعفری

لنگرودی، ۱۳۸۸، ۷۴۱؛ حلی، ۱۴۲۰، ۱، ۵۵۵) تعذر کلی و جزئی (آل بحر العلوم، ۱۳۶۲، ۱، ۱۷۱) و تعذر تعهد اصلی و تعهد فرعی (نراقی، ۱۳۷۵، ۴۵) تقسیم کرد و مصادیق فقهی قاعده تعذر وفاء را می‌توان تلف مبیع قبل از قبض، تعذر شرط فعل، نایاب شدن مبیع یا ثمن در زمان تحویل (در بیع سلف) و تعذر در عقد وکالت و اجاره برشمرده (شیرازی، ۱۳۹۶، ۱۷۸).

در فقه عامه عذر غیر قابل پیش‌بینی، از جهات فسخ در عقد اجاره و بیع سلم به شمار می‌رود (زحیلی، ۲۰۰۲، ۴، ۳۱۷۱) و در مذهب حنفی دامنه گسترده‌ای دارد. طرف متضرر از حوادث غیرقابل پیش‌بینی، حق فسخ قرارداد را داراست (زحیلی، ۲۰۰۲، ۵، ۳۸۳۱) البته نه به علت مشقت، بلکه این عذر مانند عیبی است که مانع استیفای منفعت می‌شود (ابراهیم السرحان و حمدخاطر، ۲۰۰۲، ۲۶۳) عام بودن حادثه برای متعهد و دیگران شرط نیست بلکه مانند ورشکستگی مستاجر، می‌توان تنها مختص یک طرف قرارداد باشد همچنین در مذهب حنفی عذر دارای جنبه عام و در مذهب مالکی عذر مانع استیفای شرعی، مجوز فسخ است (زحیلی، ۲۰۰۲، ۴، ۳۱۷۳) و مطابق مذهب شافعی عذر در صورتی موجب فسخ است که خللی به عین مستاجر وارد آید و موجب نقصان یا عدم امکان استیفای منفعت شود (صاوی، ۱۳۷۲، ۲۱).

از منابع فقهی و عناوین تعذر در فقه اسلامی و ادله آن، استنباط می‌شود: که هرگاه تعذر ابتدایی، کلی، دائمی و مربوط به تعهد اصلی باشد عقد باطل می‌شود (انصاری، ۱۳۹۲، ۴، ۴۲۳؛ محقق داماد،

علت مشروطه حق فسخ را در اختیار دارد (ایروانی، ۱۴۱۷، ۳، ۲۶۳؛ خویی، ۱۴۰۸، ۲، ۹۸؛ خویی، ۱۴۰۹، ۳، ۸۹؛ خویی، ۱۴۱۷، ۷، ۳۵۳؛ خویی، ۱۴۱۵، ۱، ۲۲۲) بنابراین برای جبران خسارت در فرض تعذر در فقه اسلامی می‌توان انحلال قرارداد به علت عذر، اعم از انحلال در نتیجه انفساخ یا فسخ و اخذ بدل را قائل شد.

۳-۵. اثر تعسر بر قواعد جبران خسارت قراردادی

در این قسمت اثر تعسر بر قواعد جبران خسارت قراردادی را در نظام حقوقی ایران و فقه مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۵-۳-۱. دیدگاه نظام حقوقی ایران

اصطلاح تعسر در حقوق قراردادهای را می‌توان به وجود عسر در اجرای مفاد قرارداد تعریف نمود گاه اجرای قرارداد که حکم نخستین موضوع است و در پاره‌ای شرایط با انصاف ناسازگار است و اجرای آن گران جلوه می‌کند پس برای تعدیل احکام نخستین، تمهیدی باید جست تا جانب انصاف رعایت شود که از جمله این تمهیدات، قاعده نفی عسر و حرج است (محقق داماد، ۱۳۸۸، ۲، ۸۹؛ عمید زنجانی، ۱۳۸۲، ۸۲؛ کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۲۶۰). حقوقدانان ایران با استناد به قواعدی همچون: نفی عسر و حرج، منع سوءاستفاده از حق (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰، ۲۰۴)، غبن حادث (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۳، ۸۹)، قاعده لاضرر (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰، ۴۴۷)، اصل حاکمیت اراده: العقود تابعه

۱۳۸۸، ۲، ۱۳۲؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ۵، ۲۶۵) و آنجا که عارضی، کلی، دائمی و مربوط به تعهد اصلی باشد اثرش انفساخ عقد است (اصفهانی، ۱۴۰۹، ۲، ۱۹؛ انصاری، ۱۳۹۲، ۱۰، ۴۷۴؛ نجفی، ۱۳۶۵، ۲۷، ۲۴۲) و چنانچه تعذر موقتی یا جزئیات مربوط به تعهدات فرعی باشد متعهدله حق فسخ قرارداد را دارد زیرا اصرار بر ابقاء حکم لزوم عقد، باعث ضرر متعهدله شده و شارع حق خیار فسخ را به عنوان وسیله جبران خسارت در دفع منبع این ضرر که همانا لزوم عقد است به وی اعطا می‌نماید همچنین در این خصوص استدلال شده است که: اولاً دفع ضرر منحصر به خیار فسخ نیست بلکه ممکن است متعهدله با مطالبه خسارت، ضرر خویش را بر طرف سازد ثانیاً این تعهد با دیگر دیون تفاوتی ندارد و راه پیشگیری از خسارت مراجعه به مراجع قانونی و درخواست اجبار متعهد به اجرای تعهد است (انصاری، ۱۳۹۲، ۸، ۵۰؛ انصاری، ۱۳۹۲، ۱۰، ۴۷۸؛ شیروی، ۱۳۸۳، ۱۷۸) اگرچه به استناد روایات فراوان خیار فسخ ناشی از تأخیر را در محدوده خاصی در نظر گرفته‌اند ولی این روایات نافی آن نیست که به دلیل دیگری، خیار تأخیر در اجرای تعهد به صورت قاعده عمومی قراردادهای در نظر گرفته شود و به دلیل تأخیر در اجرای تعهد، برای طرف دیگر خیار فسخ در نظر گرفت و در مورد شرط فعل نیز برخی از فقیهان معتقدند که نه تنها مفاد عقد بر التزام مشروط علیه به انجام دادن شرط تعلیق یافته، بلکه التزام مشروطه به عقد نیز، بر اجرای شرط از سوی مشروط علیه معلق گشته است و اگر اجرای شرط غیرممکن شود به همین

۵-۳-۱-۱. تبدیل مفهوم نقض متخلفانه به

نقض غیرمتخلفانه تعهد قراردادی

چنانچه در ابتدا بیان کردیم مستند به ماده ۲۲۷ ق.م. «تخلف» به عدم اجرای قرارداد به سبب خارج از اراده متعهد قرارداد تعبیر شده بود اما تعبیر «عدم قابلیت انتساب به اراده متعهد»، در بیان موضوع بهتر می‌باشد چرا که متبادر از کلمه خارجی هر چیزی است که خارج از وجود متعهد است و غالباً وجود فیزیکی فرد، متبادر به ذهن می‌شود در حالی که منظور از این شرط آن است که حادثه مورد نظر خارج از اراده و کنترل متعهد باشد لذا داخلی یا خارجی بودن حادثه مهم نیست مهم آن است که حادثه قابل انتساب به اراده متعهد نباشد و عرفاً نتوان آن را به اراده متعهد مربوط نمود (امامی، ۱۳۹۰، ۱، ۲۴۱؛ صفایی، ۱۳۸۷، ۲۰۶) اما در مقابل می‌توان نظر داشت که حوادثی مانند ورشکستگی، مرگ و بیماری، جزء عذرهای موجه مدیون قلمداد نمی‌شود و این گونه دشواری‌ها خارجی نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۴، ۱۸۷) این نظر چندان منطقی نیست اگرچه این موارد از شخص متعهد ناشی می‌شود ولی تحت اراده و کنترل او نیست (شهیدی، ۱۳۸۸، ۱۳۵) لذا در فرض تعسر، با وجود شرایط دیگر یعنی تعسر خارجی، غیر قابل پیش‌بینی و غیر قابل اجتناب، اصولاً باید بتوان به قاعده لاجرح استناد نمود و ناقض قرارداد را متخلف از ایفای تعهد ندانست و نقض تعهد را غیرمتخلفانه تلقی کرد و در نتیجه مسئول جبران خسارت ناشی از چنین نقضی

للقصود (شهیدی، ۱۳۸۸، ۳۵)، خیار تخلف از شرط صفت (شعبانی، ۱۳۸۹، ۳۴) و خیار تخلف از شرط (ره پیک، ۱۳۸۷، ۱۴۴؛ کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۳، ۸۹) همگام با مقتضیات زمان، با پذیرش اثر تعسر بر قراردادهای، آثار آن را انحلال (اعطای حق فسخ)، تعدیل و تعلیق قرارداد بیان کرده و حکم تعهداتی را که در مسیر اجرا با دشواری روبرو می‌گردد تبیین کرده است و چنانچه انجام تعهد موقتاً دشوار باشد، دادگاه بر اساس قاعده «انظار معسر» و به شرط عدم تضرر متعهدله، حکم به تعلیق اجرای قرارداد می‌دهد (صادقی مقدم، ۱۳۷۹، ۲۶۱ و ۲۶۷؛ عمید زنجانی، ۱۳۸۲، ۲۱۳).

برخی از مصادیق بارز اعمال چنین امری که به وضوح در قوانین پیش‌بینی شده است: اختیار طلاق زوجه در مورد عسر و حرج ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی، مستثنیات دین مذکور در ماده ۲۴ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی ۱۳۹۲، مواد ۲۷۷ و ۶۵۲ قانون مدنی، ماده ۹ قانون روابط موجر و مستاجر ۱۳۶۲ و تبصره الحاقی سال ۱۳۶۴ و ماده ۴ قانون ۱۳۶۹ و مواد ۲۹ و ۳۰ آیین‌نامه شرایط عمومی پیمان، بند ۲ ماده ۴ و ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی می‌باشد. در ادامه با توجه به مفهوم تعسر و مبانی تحلیلی و قانونی آن، آثارش به طور خاص نسبت به قواعد جبران خسارت قراردادی را مورد مذاقه قرار می‌دهیم.

نخواهد بود (ره پیک، ۱۳۹۴، ۱۴۴؛ شهیدی، ۱۳۸۸، ۳۷).

سوءاستفاده از حق، باز دارد (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰، ۲۰۴؛ کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۳، ۸۷).

۵-۳-۱-۲. تغییر در میزان خسارت قراردادی

قابل مطالبه

اعسار فعلی متعهد با معسر شدن وی به سبب جبران خسارت، متفاوت است ممکن است متعهد در وضعیت اعسار فعلی توانایی جبران خسارت را داشته باشد اما جبران کامل خسارت، وی را در عسر و حرج انداخته و منجر به اعسار و ورشکستگی او شود در این موارد انصاف حکم می‌کند جبران تخفیف یابد ماده ۲۲۷ ق.م نیز اشاره به همین وضعیت دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۲، ۶۸۰) هدف حقوق مسئولیت مدنی نقل ضمان بر عهده کسی است که توان تحمل آن را دارد (سراج، ۱۴۱۰، ۱۰۸) نباید ضرر متعهدله را با ضرر متعهد جبران نمود (محمدجمعه، ۱۴۲۳، ۲۴۶).

ماده ۴ و ۷ قانون مسئولیت مدنی تحت شرایطی، امکان تخفیف میزان خسارت را بیان می‌کند اگر چه این مواد استثناء بوده اما مانعی ندارد که با توجه به ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی، به قاضی اختیار داده شود تا میزان زیان و طریقه و کیفیت آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین نماید یکی از این اوضاع و احوال ممکن است وضعیت متعهد باشد یعنی در حالی که حکم به جبران ضرر می‌دهد، متعهد را به پرتگاه نیستی نکشاند و چرا قاضی نتواند با استناد به اصل ۴۰ قانون اساسی، متضرر را از تقاضای کامل جبران ضرر به عنوان

۵-۳-۱-۳. ایجاد حق مطالبه خسارت بدل از

عین تعهد

چنانچه در فوق شرح داده شد نقض تعهد در نتیجه تعسر اصولاً موجبی برای انحلال قرارداد نیست لذا حسب ماده ۲۳۷ ق.م ضمانت اجرای تعهد توسط شخص ثالث به هزینه متعهد و حق مطالبه خسارت وجود دارد پس متعهدله در فرض تعسر می‌تواند غرامت دریافت کند که جایگزین تعهد اصلی مدیون است و به صورت پول مورد ارزیابی قرار می‌گیرد پس پرداخت پول اصالت نداشته و وظیفه جز جبران خسارت متعهد ندارد و تعهد وی تنها زمانی ساقط می‌شود که غرامت پرداختی بتواند از پس میزان خسارت وارده برآید.

این وضعیت در فقه اسلامی در خصوص غصب، اتلاف مال غیر، قواعد مقبوض به عقد فاسد و ضمان ید وجود دارد بر اساس قاعده که در فقه شیعه و اهل سنت آن را قاعده «ضمان واقعی» یا ضمان «مثل و قیمت» نیز نامیده‌اند در صورت وجود خود مال، برگرداندن آن وظیفه ضامن است و اگر عین تلف یا متعذرالوصول گردد مثل مال در صورت مثلی بودند و قیمت مال در صورت قیمی بودن بر عهده او قرار خواهد گرفت (عمید زنجانی، ۱۳۸۲، ۳۲۸؛ گرجی، ۱۳۸۶، ۱، ۲۴۸) این قاعده علاوه بر آن که مورد تأیید فقهای شیعه قرار گرفته است (انصاری، ۱۳۹۲، ۴، ۳۷۰؛ خمینی، ۱۳۶۸، ۱، ۳۲۵؛ نجفی، ۱۳۶۲، ۳۷، ۸۶) فقهای اهل سنت نیز

قائل به آن بوده و ضمان مثل را لازم‌الاجرا می‌دانند (عمید زنجانی، ۱۳۸۲، ۳۲۴) و همچنین اکثریت قریب به اتفاق حقوق‌دانان در بحث از مسئولیت مدنی بر ضرورت اجرای آن تأکید کرده‌اند (امامی، ۱۳۹۰، ۱، ۴۳۴؛ بروجردی عبده، ۱۳۸۰، ۱۷۹؛ عدل، ۱۳۸۹، ۲۱۷؛ کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۲۱۰).

۵-۳-۲. دیدگاه فقه اسلامی

در قرآن کریم واژه‌های «عسر و یسر» و «عسر و حرج» در کنار هم آمده‌اند خداوند متعال در آیات ۷۸ سوره حج، ۱۸۵، ۲۸۰ و ۲۸۶ سوره بقره، آیه ۵ سوره شرح، ۷ سوره اطلاق و ۶ سوره مائده، واژه «عسر» را به معنای مشقت و دشواری فرموده‌اند و واژه حرج به معنای ضیق و تنگی به کار رفته است همچنین واژه عسر و حرج در اغلب متون فقهی و نصوص قانونی به کار رفته و رابطه میان عسر و حرج را عموم و خصوص مطلق دانسته‌اند (محقق داماد، ۱۳۸۸، ۲، ۷۳؛ نراقی، ۱۳۷۵، ۶۱) مفهوم قاعده این است که در اسلام حکمی که موجب عسر و حرج باشد وجود ندارد و گفته‌اند که عسر و حرج عبارت از مشقتی است که بیش از حد متعارف باشد قاعده نفی عسر و حرج همانند قاعده نفی ضرر در نفی حکم ضرری، نفی حکم حرجی می‌کند مبنای این قاعده آیات فوق‌الاشاره (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ۱، ۱۶۰ و ۱۶۳) و روایات متعدد (حر عاملی، ۱۴۱۴، ۱، ۱۲۰؛ مراغی، ۱۴۱۷، ۱، ۲۸۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ۱، ۱۶۳؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ۲۸۰) و همچنین مبتنی بر حکم عقل و عدل و انصاف است (عمید زنجانی، ۱۳۸۲، ۸۲).

برای قاعده نفی عسر و حرج در فقه اسلامی می‌توان آثار ذیل را برشمرد:

(الف) رفع حکم: قاعده عسر و حرج در تعارض با سایر قواعد حقوقی، ارجح و اولی است و احکام اولی محمول بر موضوعات را در حالی که از حمل آنها بر موضوع، حرج لازم آید نفی می‌کند و منظور از حرج نیز در قاعده مذکور، حرج شخصی است نه نوعی (محقق داماد، ۱۳۸۸، ۲، ۹۵؛ محمدی، ۱۳۸۴، ۲۰۴؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ۱، ۱۹۸؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ۲۱۲).

(ب) تعلیق حکم: در فقه مطابق قاعده نفی عسر و حرج استدلال می‌شود که قوانین اسلام بر پایه مشقت نیست از این رو هر گاه از اجرای احکام اولیه تکلیفی و وضعی، مشقتی غیر قابل تحمل پدید آید آن تکلیف موقتاً برداشته می‌شود (عمید زنجانی، ۱۳۸۲، ۱۶۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ۱، ۵۲۷).

(ج) تخفیف حکم: در فقه اسلامی قاعده لاجرج حاکی از رفع لزوم از تعهدات مشقت بار است نه رفع اصل تعهد، از این رو خارج از مقدار حرج، تعهد به قوت خود باقی است و در واقع اثر آن تخفیف تکلیف است (احسائی، ۱۴۱۰، ۴۶؛ مکی، ۱۴۱۰، ۱۳۲).

در باب عقود این قاعده بنا به تحقق شرایطش، در تمام عقود معوض و غیرمعوض و مستمر و غیرمستمر قابل اعمال است و طرف قرارداد می‌تواند به موجب آن لزوم قرارداد حرجی را بردارد یا بدان پایبند بماند (حسینی العاملی، ۱۴۱۹، ۱، ۱۸۷؛ نجفی، ۱۳۶۵، ۲۷، ۲۹۱) و فقهای اهل سنت عقیده داشته‌اند: «اگر اجرای قراردادی مشکل شود

زمانی که امکان اجرای اصل تعهد را از بین می‌برند، مسئولیت را منتفی می‌کند و در غیر آن مسئولیت پا برجاست همچنین در وضعیت تعسر با مبانی تحلیلی مختلف، که اصلی‌ترین آن، قاعده نفی عسر و حرج است راه‌کارهایی همچون حق فسخ، تعدیل، تعلیق و مطالبه خسارت بدل از عین تعهد پیشنهاد می‌شود و در قوانین مختلف منعکس است ولی در فقه اسلامی در فرض تعذر، وسیله جبران خسارت را فسخ یا انفساخ قرارداد بیان می‌کنند و دیدگاه‌هایی وجود دارد که دفع ضرر را منحصر به خيار فسخ ندانسته و مطالبه خسارت (بدل) را تجویز می‌نمایند در فقه اسلامی: رفع، تعلیق و تخفیف حکم تکلیفی و وضعی در نتیجه تعسر، در باب معاملات نیز جاری است و می‌توان از احکام آن بهره برد.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

به حدی که با ضرر و زیان فاحش توأم باشد در این صورت قرارداد مزبور قابل فسخ است» (ابن الحمام، ۱۳۱۸، ۷، ۲۲۲؛ کاسانی، ۱۴۰۹، ۴، ۱۹۷).

۶. نتیجه

آثار آنچه که نقض غیرمتخلفانه قرارداد بر قواعد جبران خسارت دارد نتیجه تحلیل عوامل: مفهوم خارجی نقض تعهد، میزان پیش‌بینی موانع حادث شده در زمان تشکیل قرارداد و میزان بقای عین تعهد نقض شده و امکان اجرا بعدی آن است. به نظر می‌رسد می‌توان در نظام حقوقی ایران و فقه اسلامی، نقض قرارداد را به دو شکل نقض قابل انتساب و غیر قابل انتساب به فعل و اراده متعهد تقسیم نمود اگرچه «نقض غیر متخلفانه» به عدم اجرای قرارداد به سبب خارج از اراده متعهد قرارداد تعبیر شده بود اما تعبیر «نقض غیر قابل انتساب به اراده متعهد»، در بیان موضوع بهتر می‌باشد چرا که متبادر از کلمه خارجی هر چیزی است که خارج از وجود متعهد است و غالباً وجود فیزیکی فرد، متبادر به ذهن می‌شود در حالی که منظور از این شرط آن است که حادثه مورد نظر خارج از اراده و کنترل متعهد باشد لذا داخلی یا خارجی بودن حادثه مهم نیست مهم آن است که حادثه قابل انتساب به اراده متعهد نباشد و عرفاً نتوان آن را به اراده متعهد مربوط نمود. زمانی که متعهد به سبب خارجی همچون تعذر و تعسر نقض عهد می‌کند متخلف شناخته نمی‌شود و رکن اول مسئولیت قراردادی احراز نخواهد شد. نقض غیرمتخلفانه همچون نقض در نتیجه تعذر و تعسر در نظام حقوقی ایران صرفاً

منابع

- قرآن کریم.
- آل بحر العلوم، سیدمحمد، بلغة الفقيه، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، مکتبه الصادق، ۱۳۶۲.
- ابراهیم السرحان، عدنان، حمدخاطر، نوری، مصادر الحقوق الشخصیه، بیروت، دارالفکر المعاصر، ۲۰۰۲.
- ابن الحمام، کمال الدین، فتح القدير شرح الهدایه، جلد هفتم، قاهره، بی نا، ۱۳۱۸.
- احسائی، محمدبن علی، ابن ابی جمهور، الاخطاب الفقهیه علی مذهب الامامیه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۰.
- اصفهانی، محمدحسین، الاجاره، جلد دوم، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۹.
- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ سی و یکم، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۰.
- امینی، منصور، باستانی نامقی، رضا، «نظریه عمومی تعذر: رهیافتی منسجم از قواعد حقوقی». مجله تحقیقات حقوقی تهران، دوره سی و دوم، شماره نود و دو، ۱۳۹۹.
- انصاری، شیخ مرتضی، مکاسب، ترجمه: محمدمسعود عباسی، جلد چهارم، هشتم، نهم و دهم، چاپ چهارم، قم، مؤسسه انتشارات دارالعلم، ۱۳۹۲.
- ایروانی، علی، حاشیه بر مکاسب، جلد سوم، بی جا، بی نا، ۱۴۱۷.
- بروجردي عبده، محمد، حقوق مدنی، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۰.
- بهرامی احمدی، حمید، حقوق تعهدات و قراردادهای، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰.
- جعفری، علی، تخریجی، مجید، «بررسی تطبیقی تعذر اجرای قرارداد در فقه و حقوق ایران و حقوق انگلیس». مجله معرفت، قم، سال نوزدهم، شماره صد و چهل و هشت، ۱۳۹۸.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوقی، چاپ چهارم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۸.
- حائری شاه باغ، سیدعلی، شرح قانون مدنی، چاپ سوم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۷.
- حرج، زهیر بن زهری، «الخطا فی المسؤولیه المدنیه: دراسه مقارنه فی النظام الانجلوسکسونی و فی نظام اللاتینی». رساله برای دریافت درجه دکتری تخصصی، قاهره، دانشگاه عین الشمس مصر، ۱۹۹۹.
- حر عاملی، محمدحسن، وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشیعه، جلد اول، تهران، مکتب الاسلامیه، ۱۴۱۴.
- حسینی العاملی، محمدجواد بن محمد، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العامه، جلد اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۹.
- حلی، حسن بن یوسف معروف به علامه حلی، تذکره الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت الاحیاء التراث، ۱۴۲۰.

- خمینی، سید روح الله، کتاب البیع، جلد اول و دوم، چاپ چهارم، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۸.
- خویی، سید ابوالقاسم، مبانی العروه الوثقی، جلد دوم، قم، لطفی، ۱۴۰۸.
- خویی، سید ابوالقاسم، المعتمد فی شرح المناسک، جلد سوم، قم، مطبعه علمیه، ۱۴۰۹.
- خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، جلد هفتم، قم، موسسه انصاریان، ۱۴۱۷.
- خویی، محمدتقی، الشروط و التزامات التبعية العقود، جلد اول، بیروت، دارالمورخ العربی، ۱۴۱۵.
- ره پیک، حسن، حقوق قراردادهای، چاپ دوم، تهران، خرسندی، ۱۳۸۷.
- ره پیک، حسن، حقوق مدنی: عقود معین، جلد اول، چاپ دوم، تهران، خرسندی، ۱۳۹۴.
- زحیلی، وهبه، الفقه الاسلام و ادلته، جلد چهارم و پنجم، چاپ چهارم، بیروت، دارالفکر المعاصر، ۲۰۰۲.
- سراج، محمداحمد، ضمان العدوان فی الفقه الاسلامی، قاهره، دارالتفاهه، ۱۴۱۰.
- شعبانی، امید، «بررسی تعذر اجرای قرارداد در فقه و حقوق ایران». پژوهشنامه فقه و حقوق اسلامی، تهران، سال سوم، شماره ششم، ۱۳۸۹.
- شهیدی، مهدی، آثار قراردادهای و تعهدات، چاپ سوم، تهران، مجد، ۱۳۸۶.
- شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، چاپ پنجم، تهران، مجد، ۱۳۸۸.
- شیروی، عبدالحسین، «خیار تعذر تسلیم در فقه امامیه». مجله مقالات و بررسیها، تهران، دفتر ۷۶ (۳) فقه، شماره هشتاد و پنج، ۱۳۸۳.
- شیروی، عبدالحسین، حقوق قراردادهای، چاپ دوم، تهران، سمت، ۱۳۹۶.
- صادقی مقدم، محمدحسن، تغییر در شرایط قرارداد، تهران، دادگستر، ۱۳۷۹.
- صاوی، احمدبن محمد، بلغة السالك لاقرب المسالك، مطبعه عام، مطبعه مصطفى البابی، ۱۳۷۲.
- صفایی، سیدحسین، قواعد عمومی قراردادهای، چاپ ششم، تهران، میزان، ۱۳۸۷.
- صفایی، سیدحسین، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۳۸۸.
- عدل، مصطفی، حقوق مدنی، تهران، خرسندی، ۱۳۸۹.
- عمید زنجانی، عباسعلی، موجبات ضمان، تهران، میزان، ۱۳۸۲.
- قربان پور، امیرمهدی، مسئولیت قراردادی، چاپ دوم، تهران، مجد، ۱۳۹۴.
- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی: وقایع حقوقی، چاپ یازدهم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵.

- کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، چاپ سوم، تهران، میزان، ۱۳۸۵.
- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، دوره پنج جلدی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷.
- کاسانی، علاءالدین ابن بکرین مسعود، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، جلد چهارم، اسلام آباد، مکتبه الجیبیه، ۱۴۰۹.
- گرجی، ابوالقاسم، مقالات حقوقی، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران، سمت، ۱۳۸۸.
- محمدجمعه، عدنان، رفع الحرج فی الشریعه الاسلامیه، چاپ سوم، دمشق، دارالعلوم الانسانیه، ۱۴۲۳.
- محمدی، ابوالحسن، قواعد فقه، چاپ هفتم، تهران، میزان، ۱۳۸۴.
- مراغی، عبدالفتاح بن علی معروف به میرفتاح، عناوین الفقه، جلد اول و دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷.
- مکارم شیرازی، ناصر، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، جلد اول، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۷۹.
- مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقیه، جلد اول، چاپ سوم، قم، مدرسه امام امیرالمومنین (ع)، ۱۴۱۱.
- مکی، محمدبن جمال الدین معروف به شهید اول، القواعد و الفوائد، قم، مکتبه المفید، ۱۴۱۰.
- موسوی بجنوردی، سید محمدحسن، القواعد الفقهیه، جلد پنجم، قم، الهادی ۱۴۱۹.
- نائینی، محمدحسین، منیه الطالب، جلد دوم، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۸.
- نجفی، شیخ محمدحسن، جواهر الکلام، جلد سی و هفتم، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
- نجفی، شیخ محمدحسن معروف به صاحب جواهر، جواهر الکلام، جلد بیست و هفتم، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- نراقی، ملاحمد، عوائد الایام، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۵.
- وحدتی شییری، سیدحسن، مبانی مسئولیت مدنی قراردادی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.